



مؤلفه‌های تمدن ساز دین اسلام در مقایسه با تمدن‌های دیگر و وظایف مؤمنان در ساخت تمدن نوین اسلامی

روح اله مقدسی^۱، محمدرضا جواهری^۲، ناهید مشائی^۳

۳۱

دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۳۱
پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۹/۰۷

صص: ۱۹۳-۱۷۱

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی سخت‌گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

دین اسلام در دارا بودن مؤلفه‌های عقلانیت، علم و اخلاق که موجب پیدایی و پیشرفت سریع تمدن‌ها می‌شوند، برتری بر دیگر تمدن‌ها دارد. پرسش اصلی این است که امتیاز مؤلفه‌های تمدن‌ساز دین اسلام در مقایسه با تمدن‌های دیگر چیست؟ یافته‌های حاصل از این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که تمدن اسلامی بر اساس اعتقاد به خدا و آموزه‌های اسلامی پا گرفته و با در نظر گرفتن ضروریات خوشبختی دنیایی و آخرتی، انسان و جامعه را نیک فرجام می‌نماید؛ اما تمدن غرب با محوریت سودگرایی و جدا کردن عقل و علم از اخلاق، اخلاقیات را در موضع نابودی قرار داده است. تمدن اسلامی بر پایه این مؤلفه‌ها ویژگی‌های اجتماع‌گرایی و وحدت‌بخشی، زهان‌شمولی و جهان‌شمولی، عدالت‌طلبی، مهدویت و رهبری کامل بر جهان دارد. هدف اصلی از این نوشتار با توجه به ممتاز بودن تمدن اسلامی، بیان وظایف مؤمنان برای ساخت تمدن نوین اسلامی است که از آن‌ها می‌توان به انتظار فرج و زمینه‌سازی، همکاری همه‌جانبه برای ساخت تمدن اسلامی، جهاد تبیین، استقامت و شهادت در راه خدا اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، مؤلفه‌های تمدن‌ساز، امتیازها، شاخصه‌ها، وظایف مؤمنان.

۱. دانشجوی دکتری، رشته مدرسی معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) javaheri@um.ac.ir

۳. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه و بیان مسأله

اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به پیامبری آن برانگیخته شد به سرعت از قلمرو جزیره العرب فراتر رفت و حتی امپراتوری‌های بزرگ ایران و روم را به چالش واداشت. آن حضرت با این دین به گونه‌ای بی‌سابقه دل‌ها را زیر و رو کرد؛ ارزش‌ها را دگرگون ساخت، شایستگی‌های تازه‌ای را شناساند، انسان‌ها را به اندیشه و تأمل در خود و هستی سوق داد، به مردم یاد داد اهل کار و پایداری در مواقع دشوار باشند، به آنان آموزش داد بر توان بیفزایند و از بیکارگی و تن‌پروری بپرهیزند و در حال برخورداری از توان فروتن باشند و از همه والاتر در هر حالت بنده باشند و هدف را جز او ندانند و راه رسیدن به او را نیز از خودش بخواهند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) همان‌طور که بر آخرت پافشاری می‌نمود، دنیا را نیز به عنوان گذرگاه آخرت معرفی می‌کرد: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۵۶)

خدای والا می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری: ۲۰)

در این مقایسه دنیا مزرعه‌ای است که قابل کاشتن بذر است. بذر آن اعمال انسان هاست منتهی بذری که استعداد آخرتی داشته باشد. کسی که برای آخرت خود تلاش کند هم دنیا را دارد و هم آخرت را؛ اما آن که تنها برای دنیا تلاش کند از آخرت بهره‌ای ندارد.

دین اسلام به تفکر کردن ارزش داد، اندیشیدن و خردمندی را با عبارتی بی‌مانند توصیف کرد و علم را در خدمت فضیلت و انسانیت قرار داد. بدین‌سان، مسلمان بودن با تفکر و تعمق، کار و تلاش و با خدا بودن عجین شد. اسلام جایگاه مناسب انسان را روشن ساخت؛ نه مثل مسیحیت تحریف شده آدمی را فرومایه و گناهکار شناساند و نه مثل غرب مدرن برای انسان محوریت قائل شد.

تمدن بزرگ اسلام که در مدت محدودی به رشد رسید و نتیجه داد، دستاورد این مؤلفه‌ها بود. لذا باید برای احیای تمدن نوین اسلامی، امتیازهای مؤلفه‌های تمدن ساز دین اسلام در مقایسه با تمدن‌های

دیگر را شناخت؛ و با توجه به این مؤلفه‌ها و شاخصه‌های برآمده از آن برای ایفای وظیفه در ست در تمدن‌سازی گام برداشت. این پژوهش تلاشی در این راستا است.

اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال رسیدن به اهداف زیر است:

- نمایان شدن امتیازهای برجسته مؤلفه‌های تمدن‌ساز دین اسلام نسبت به دیگر تمدن‌ها، تا قلب‌های بیدار و حقیقت‌جو تفاوت میان دین اسلام و سایر تمدن‌ها را تشخیص دهند.
- بیان شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی، تا پذیرش و روی‌آوری به این دین و تمدن دلربا شود.
- مؤمنان و وظایف خود را در راستای تحقق و گسترش تمدن نوین اسلامی دانسته، جدیت بیشتری انجام دهند.

با توجه به این اهداف، پرسش‌های نوشتار حاضر عبارت است از:

- امتیاز مؤلفه‌های تمدن‌ساز دین اسلام در مقایسه با تمدن‌های دیگر چیست؟
- شاخصه‌های تمدن اسلامی بر پایه این مؤلفه‌ها برای دلکش شدن چیست؟
- وظایف مؤمنان به ویژه متدینین انقلاب اسلامی ایران به جهت پیشرو بودن در ساخت تمدن نوین اسلامی چیست؟

پیشینه پژوهش

به علت اهمیت بالای موضوع این پژوهش، همایش‌های علمی متنوع برگزار شده و نگاشته‌هایی در زمینه مؤلفه‌های تمدن‌ساز دین اسلام و شاخصه‌های آن به قلم طبع آراسته شده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مرتضی اکبری و فریدون رضائی، ۱۳۹۴)؛ در این مقاله بیان شده از دیدگاه مقام معظم رهبری گسترش و ترقی تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، برخورداری از رسانه‌های قوی و روابط بین‌الملل به وجود می‌آید.

۲. نقش دین در تمدن سازی (همایون رهبران و همکاران، ۱۴۰۰)؛ در این مقاله به این جمع بندی رسیده شده که در تمدن‌های بزرگ، فعالیت‌های اجتماعی، تجارب سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فکری و فلسفی، برخاسته از نوعی نگاه مذهبی و گرایش دینی بوده و برای جامعه اسلامی رسیدن به تمدن، بازگشت و عمل به آموزه‌های اسلامی است.

۳. مؤلفه‌های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی (غلامرضا خواجه سروی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ در این مقاله مؤلفه‌های عقلانیت، علم‌گرایی و معنویت به جهت رشد سریع‌تر و همه‌جانبه انقلاب اسلامی برای دست یافتن به تمدن اسلامی معرفی شده است.

۴. مبانی حاکم بر مهندسی تمدن نوین اسلامی - ایرانی (مصطفی زمانی، ۱۳۹۰)؛ طبق مطالب بیان شده در این مقاله اعتقاد به جامعیت دین (دین شناسی)، جهت‌داری علوم (علم شناسی)، درگیری تاریخی دو جبهه حق و باطل (فلسفه تاریخ)، پرستش اجتماعی به عنوان غایت جامعه (جامعه شناسی) و تکامل قرب (انسان شناسی)، از جمله مبانی تمدن اسلامی است که عدم توجه به هر یک از این مبانی باعث می‌گردد که یا در تصویر تمدنی یا در اسلامیت تمدن اسلامی به خطا برویم.

۵. تحلیلی بر ابعاد و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی؛ از منظر مقام معظم رهبری (محمد فولادی و فاطمه السادات حسینی، ۱۳۹۸)؛ طبق این پژوهش تمدن اسلامی بر دو بُعد «اتقان» و «جامعیت» استوار است. مؤلفه‌های اتقان تمدن اسلامی توحید محوری، فطرت محوری، قانون‌مداری، عقلانیت و دانش‌گستری و مؤلفه‌های جامعیت آن بر مؤلفه‌های نظام‌سازی و تربیت نیروی انسانی، عدالت‌خواهی، آزادی خواهی و استقلال طلبی، آرمان‌گرایی و امت‌سازی مبتنی است.

این تحقیق می‌تواند کمکی در راستای پر کردن خلأهای مطالعات گذشته باشد؛ چون با توجه به مطالعات ارزشمند و به‌دردبخور اندیشه‌وران، این‌گونه بر می‌آید که این پژوهش‌ها به‌طور نظام‌مند و گویا امتیازهای مؤلفه‌های تمدن اسلامی در مقایسه با سایر تمدن‌ها و شاخصه‌های برجسته آن را بر پایه این مؤلفه‌ها برای جذب بیش‌تر دیگران به این دین نمایان نکرده‌اند. همچنین در این مقاله پس از بیان امتیازها و شاخصه‌ها وظایفی برای مؤمنان به‌ویژه در انقلاب اسلامی ایران بیان شده، که عملی شدن آن‌ها جایگاه تمدن اسلامی را در گستره جهان ارتقاء داده، روند تمدن‌سازانه انقلاب را سرعت

بیشتری می‌دهد.

چارچوب نظری و مفهومی

أ. تمدن در لغت

واژه «تمدن» از اصل عربی «مدینه» به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۱، ۵۵) در فارسی نیز به معنای «مجموعه دست‌آوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین؛ یا حالت پیش‌رفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای سیاسی و اجتماعی است به کار رفته است.» (انوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳، ۳۵۹)

ب. تمدن در اصطلاح

تمدن محصول فرهنگ است و فرهنگ نقشی بنیادین در پایداری تمدن دارد و پایه و اساس آن به حساب می‌آید. از این رو، ارتباط تمدن با فرهنگ از بیشترین مباحثی است که در تعریف‌های تمدن می‌توان مشاهده کرد؛ برای نمونه ادوارد بارنت تایلور انسان‌شناس اهل بریتانیا فرهنگ و تمدن را مترادف هم قرار داده، می‌نویسد: «کلمه فرهنگ یا تمدن به مفهوم وسیع کلمه که مردم شناسان به کار می‌برند، عبارت است از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات‌ها و اعمال دیگری است که به وسیله انسان در جامعه خود به دست می‌آید.» (الامینی، ۱۳۷۹: ۴۸) آلفرد لویس کروبر انسان‌شناس آمریکایی فرهنگ را با ارزش‌های اجتماعی و تمدن را با واقعیت‌های اجتماعی پیوند می‌دهد. آلفرد وبر جغرافی‌دان و اقتصاددان اهل آلمان فرهنگ معنوی را معادل فرهنگ و فرهنگ مادی را برابر با تمدن می‌داند. آسوالد اسپنگلر مورخ و فیلسوف تاریخ آلمانی اعتقاد دارد به این که تمدن‌ها انتهای تکامل فرهنگ‌ها هستند. (مهمی‌نی، ۱۳۷۹: ۲۰۳ و ۲۰۴)

روش تحقیق

برای جوابگویی به سؤال پژوهش با بکارگیری روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع نقلی و حیانی (قرآن و روایات)، کتاب‌ها و نشریات پژوهشی منتشر شده در حوزه تمدن‌سازی دو گستره مورد واکاوی قرار گرفته است. گستره نخست، مؤلفه‌های پایه برای تمدن‌سازی مورد تحلیل

واقع شده، لذا از میان مهمترین این مؤلفه‌ها عقلانیت، علم و اخلاق گزینش شده؛ و در گستره دوم شاخصه‌های برجسته تمدن اسلامی بر پایه این مؤلفه‌ها از جمله اجتهاد گرایبی و وحدت بخشی، زمان‌شمولی و جهان‌شمولی، عدالت‌طلبی، مهدویت و رهبری کامل بر جهان مورد مذاقه قرار گرفته است. بعد از روشن شدن ابعاد دو گستره، به وظایف مؤمنان برای ساخت تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است.

یافته‌های تحقیق

شرط لازم برای تمدن‌سازی این است که مکتبی که یک جامعه را گرد هم آورده است، از عنا صری برخوردار باشد که قابلیت ایجاد یک نظام اندیشه‌ای واحد و تولید دانش‌های متناسب و ایجاد نظام کنشی هماهنگ جهت برقراری یک تمدن را داشته باشد؛ زیرا تمدن‌سازی منوط به آن است که اولاً یک نظام اندیشه‌ای واحد، یعنی یک نظام فکری و عقلانی واحد در جامعه ایجاد شود؛ به طوری که گفتمانی واحد در هر یک از سطوح مفاهیم ارزشی، مفاهیم فلسفی و مفاهیم عملی بر آن جامعه حاکم گردد. ثانیاً مبتنی بر آن نظام اندیشه‌ای، دانش‌هایی برای دستیابی به خواسته‌ها و محصولات مادی و معنوی مورد نظر تولید شود. ثالثاً نظام رفتاری افراد آن جامعه در جهت دستیابی به آن خواسته‌ها تنظیم گردد. بدیهی است تحقق مراحل مذکور، وابسته به یک شرط اساسی دیگر است و آن وجود یک نظام سیاسی قوی و مدیریت و رهبری دانا و نیرومند در رأس آن است.

بنابراین، مراد ما از اینکه قائلیم مکتب اسلام ظرفیت تمدن‌سازی را دارد این است که از مؤلفه‌های لازم جهت ایجاد نظام‌های اندیشه‌ای، دانشی و کنشی واحد جهت برقراری یک تمدن جهانی برخوردار است.

۱- مؤلفه‌های تمدن‌ساز دین اسلام

دین اسلام به علت جامع و کامل بودنش در تلاش است که با پیاده‌سازی و پایبند کردن جوامع اسلامی به مؤلفه‌های خود تمدنی جهانی را شکل دهد تا بتواند بر میزان پایایی و پویایی‌اش بیفزاید. از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن‌ساز دین اسلام بر اساس اولویت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱- عقلانیت

عقل از منع و باز داشتن است. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۱، ۱۷۳) از آنجا که در کتاب‌های لغت از معانی «عقل» به قلعه و دژ اشاره شده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱، ۱۶۰)؛ «عقل» علم نخستین نامیده شده،

چون که از بدی‌ها باز می‌دارد و هر که در او بازداری قوی‌تر باشد، عاقل‌تر است. (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۷۵) «عقیله» در مورد زن با عفت و باحجاب و پاکدامن به کار رفته است. همچنین به دیه «عقل» گفته شده، چون که جلوی خون‌ریزی بیشتر را می‌گیرد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴، ۷۰ و ۷۲)

از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های هر تمدن که موجب شکوفایی و پایایی آن می‌شود، عقلانیت است. عقل چراغی برای تشخیص راه است که فرد را از کارهای بی‌خردانه و دارای جهالت و فریفته شدن به دنیا باز می‌دارد و به عبودیت در برابر خدای والا ملزم می‌کند. از این رو است که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را ملاک و معیار قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود.» (بیانات مقام معظم رهبری در سالروز عید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹)

تفاوت عقل اسلامی و عقل غربی

عقلانیت مورد نظر غرب از تحلیل امور جهان و اهداف آن عاجز است؛ در صورتی که عقلانیت مورد نظر اسلام به سه پرسش از مبدأ و دنیا و معاد پاسخ می‌دهد، که منجر به خودشناسی و خداشناسی می‌شود. آن‌چنان که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ أُمَّرَأَةً أَعَدَّتْ لِنَفْسِهَا وَ اسْتَعَدَّتْ لِرَمْسِهَا وَ عِلْمٌ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ.» (صدر المدین شیرازی، ۱۳۸۳ش: ۱، ۵۷۱؛ فیض کا شانی، ۱۴۰۶ق: ۱، ۱۱۶)؛ خدا رحمت کند کسی را که برای خود عوامل سعادت ابدی فراهم می‌کند و برای زندگی عالم بعد مهیا می‌شود و رحمت خدا باد بر انسانی که بداند از کجا آمده و در کجا آمده و به کجا خواهد رفت.

خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَ الْمَنَفْسَ مِثْلُ أَخْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعَقَّلْ حَارَتْ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: النص، ۱۵؛ فیض کا شانی، ۱۳۷۱ش: المنص، ۹)؛ همانا عقل بازدارندگی از نادانی است و نفس انسان مثل خبیث‌ترین جنبنندگان است که اگر مهار نشود، بیراهه می‌رود.

«عقال» به معنای ریسمانی است که بر پای شتر می‌بندند تا فرار نکند؛ و از آنجا که قوه تعقل انسان را از کارهای نامناسب باز می‌دارد، این واژه برای آن استعمال شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۷۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱، ۴۵۸)

پس در تمدن اسلامی عقلانیت انسان با بازدارندگی و خود نگهداری دنبال آن است که عمل را در راه رسیدن به اهداف، مطابق اخلاق ستوده و خصلت‌های خوب کند؛ اما تمدن غرب با محوریت سودگرایی (فردی یا مصالح بشری) و جدا کردن عقل از اخلاق، اخلاقیات را در موضع نابودی قرار داده است.

اندیشمندان غربی عقل مدرن را مطرح کرده، می‌گویند ما با همین عقل انسانی می‌توانیم زندگی و همه کارهای خودمان را تدبیر کنیم. عقل‌گرایی را به جای دین می‌نشانند، ولی پس از مدتی مشاهده می‌کنند که خیلی از مسائل با عقل انسانی قابل توضیح نیست.

وقتی محدودیتی برای عقل گذاشته نمی‌شود، انسان به بیراهه می‌رود و کار به جایی می‌رسد که عقل به طور کامل کنار گذاشته شده، شخص مجبور می‌شود پناه ببرد به بی‌هوده انگاری، خرافه، سحر، شیطان‌پرستی و بینش‌های پسانوگرا، بینش‌های خاص‌گرا و بینش‌هایی که در آن‌ها انسان‌ها مانند جزیره‌های جدای از هم هیچ ضابطه‌ای برای خوبی و بدی ندارند.

عقلانیت در اسلام به هر دو بُعد مادی و معنوی زندگی انسان توجه دارد. در تفکر اسلامی عقل با توجه به چارچوب و محدودیت‌هایی که دارد برای شرع جا باز می‌کند. این باعث جلوگیری از افراط در عقل و بحران در جهان اسلام شده است و اگر هم بحرانی در جهان اسلام هست، به خاطر این است که ما به دنبال آن عقل‌گرایی که فلاسفه و متکلمان شیعه مطرح می‌کرده‌اند، نرفتیم.

عقل در آیات و روایات

در همه جای قرآن کریم و آموزه‌های غیر قرآنی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) تکیه بر عقل و خرد است؛ تا آن حد که از زبان مجرمان در روز قیامت، خدای والا می‌فرماید: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک: ۱۰) و می‌گویند: اگر ما [دعوت سعادت‌بخش انبیاء و هشدار دهندگان را به گوش قبول] شنیده بودیم، یا [در آنچه برای ما آوردند] اندیشه می‌کردیم در زمره اهل آتش سوزان نبودیم.

مهم‌ترین رسالت پیامبران برانگیختن عقل و تقویت قدرت تفکر انسان‌ها است. عقل پویا آدمی را از اعمال احمقانه و جهالت‌آمیز و دل‌دادن به دنیا باز داشته، در مقابل خدا به عبودیت و اداری می‌کند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در فلسفه بعثت انبیاء می‌فرماید: «لَيْسَتْ أَدْوَاهُكُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيُدْكَرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوْا عَلَيْهِم بِالْتَّبْلِغِ، وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳؛

علامه حلی، ۱۹۸۲م: (۱۴۱) تا پیامبران پیمان فطرت را از انسان‌ها مطالبه کنند و نعمت‌های فراوانی را به آنان یادآوری نمایند و با ابلاغ دستورهای خدا، حجّت را بر آن‌ها تمام نمایند و گنج‌های پنهانی عقل‌ها را برای آنان آشکار سازند.

ما همانند آن شخصی هستیم که دارای گنجی است، از آن استفاده نمی‌کند و از بی‌چیزی می‌میرد. وقتی به عقل مراجعه نمی‌کنیم و زمام نفس را به دست عقل نمی‌سپریم، از بی‌خردی و پیاپیدهای آن گرفتار سختی‌های بسیار در زندگی دنیا و در آخرت می‌شویم.

در کتاب‌های روایی ما احادیث فراوانی در مورد ارزش عقل و اهمیت تفکر و تدبّر در مسائل مختلف و سفارش به تدبیر در امور زندگی آمده است. در اهمیت توجه به عقل و عقلانیت همین بس که مرحوم کلینی نویسنده اصول کافی نخستین باب از ابواب حدیثی را در کتاب خویش به بررسی عقل و جهل اختصاص داده است.

امام کاظم (علیه السلام) به هشام می‌فرماید: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالنَّبِيَاءُ وَالْأئِمَّةُ عَ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۶)
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در روایتی می‌فرماید: «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ» (مفید، ۱۴۱۳: النص، ۳۸۰؛ ابن طاووس، بی‌تا: النص، ۲۰۲)

از این آیه و روایات به خوبی بر می‌آید که در اسلام عقلانیت اهمیت بسیاری دارد. برای ساخت یک تمدن ما نیاز به عقلانیت داریم، و انسان به دلیل اختیار و عقلی که خدا به او داده، تنها موجودی است که می‌تواند قدرت تمدن‌سازی داشته باشد. حیوانات و غیره اگر مجموعه و نظامی برای زندگی خودشان دارند آن را با عقل خودشان نساختند، بلکه به شکل غریزی است؛ مثل زنبور عسل که نظام خاصی مثل کندو را با عقل برای خودش نساخته، بلکه خدا برای او طراحی کرده است.

۲-۲- علم

بدون تردید، کوشش علمی و گسستن مرزهای علم از علامت‌های برجسته و پیش‌ران تمدن‌سازی است. خاستگاه و هدف علم در اسلام با دیگر تمدن‌ها فرق ویژه‌ای دارد، که عبارت است از:

تفاوت علم در اسلام و غرب

علمی را که غربی‌ها پیش‌رو آن هستند، در اثر تجربه به دست آمده و مبتنی بر سودگرایی هادی فردی یا حداکثر برای مصلحت‌های بشری است؛ علمی که اقتصاد را پیش‌برد و سیاست را به نفع

آن‌ها منحرف بکند تا سیطره بر طبیعت و انسان‌ها پیدا کرده و تنها قدرتمند جهان بشوند. اما مواد اولیه تمدن‌سازی در اسلام علوم و معارف قرآنی است. علم در اسلام با دانش الهی به‌طور ویژه مرتبط بوده و ما را در نهایت به شناخت از خود و خدا و تصویری معنادار از جهان می‌رساند.

از دیدگاه اسلام نیازهای بشر منحصر در نیازهای دنیوی نیست، بلکه بشر علاوه بر نیازهای طبیعی و غریزی و مادی نیازهای روحی و معنوی و ملکوتی نیز دارد. اسلام هم دنیاپرستی و غفلت از آخرت را نفی می‌کند و هم رهبانیت و بی‌توجهی به مسائل حیات دنیوی را. اسلام هم به دنبال سعادت دنیوی بشر است و هم به دنبال سعادت اخروی او.

اسلام میان دنیا و آخرت تقابل نمی‌بیند، بلکه رابطه دنیا و آخرت را از نوع رابطه مزرعه و آخرت دانسته، سعادت دنیوی و اخروی را قابل جمع می‌داند: «الدنيا مزرعة الآخرة» (ورام بن اُبی فراس، ۱۴۱۰: ۱، ۹۲)

بنابراین، علم نافع علمی است که ما را به حقیقت هستی رهنمون سازد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَ اعْلَمُ أَنَّهُ لَأَخْبِرَ فِي عِلْمٍ لَأَيُنْفَعُ وَ لَأَيَنْفَعُ بِعِلْمٍ لَأَيَحِقُّ تَعَلُّمَهُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۹۳؛ این طاووس، ۱۳۷۵ش: ۲۲۲)؛ بدان که دانش بی‌فایده را خیری نیست و از علمی که شایسته آموختن نیست، فایده و منفعتی عاید نمی‌شود.

در دل این علوم که با توجه به اراده و خواست الهی معنادار می‌شوند، منافع فردی و جمعی بشر هم نهفته است. انسان باید مطابق اهداف و آرمان‌های خویش علوم الهی را تحصیل نمایند و به کسب دانش‌هایی پردازند که در زمان جوانی و پیری برایش مفید باشد.

علم در آیات و روایات

تأکید اسلام بر مقوله علم و طلب علم از واضح‌ترین امور است که هرکس با دین اسلام اندک آشنایی داشته باشد بدان واقف خواهد بود. خدای والا در قرآن کریم می‌فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَأِ إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۱۸)؛ خداوند درحالی که [به کارگردانی در همه امور هستی] قائم به عدالت است، [با زبان وحی و نظام استوار آفرینش و وحدت حاکمیت در خلقت،] گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز [گواهی می‌دهند که] جز او معبودی وجود ندارد، [معبودی] که توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

رسیدن به جایگاه درک وحدانیت پروردگار و گواهی به آن برای کسانی که دارای علم هستند میسر است و این در اهمیت و ضرورت علم به تنهایی کافی است.

همچنین کتاب‌های روایی ما مملو از حدیث‌های پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) در مورد فضیلت علم و تکریم عالم و سفارش به تعلیم و تعلم است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «...بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: النص، ۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: النص، ۶۱۶)؛ به واسطه علم است که خدا اطاعت و پرستش می‌شود و به سبب علم است که خدا شناخته می‌شود.

اسلام طلب علم را فریضه قلمداد کرده، همگان را به علم اندوزی حتی از کفار و منافقین و حتی از دورترین نقاط دنیا سفارش می‌کند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (منسوب به امام ششم علیه السلام، ۱۴۰۰: ۱۳)

۳-۲. اخلاق

از مؤلفه‌های مهم تمدن‌ساز که نقش بسزایی در زندگی فردی و اجتماعی از سان‌ها دارد، اخلاق است. اخلاق پدید آورنده احترام به حقوق در جامعه و نیز باز دارنده از لغزش و خطا است.

در سیاست و اقتصاد غربی مهم سود سیاست‌مداران و خدایان اقتصادی است، به عنوان مثال رو شوه بانک‌ها چیز بدی به حساب نمی‌آید یا احسان و ایثار و خمس و زکات برای آن‌ها معنا ندارد و بد که ممکن است مورد استهزا قرار گیرد؛ شخصی که سرمایه دارد یک پنجم مال را به عنوان خمس به فقرا و غیره بدهد و بعد سرمایه گذاری بکند. در حالی که آن‌ها می‌گویند فرد باید همه‌اش را سرمایه گذاری بکند، نه این که یک پنجم مال خود را به دیگران بدهد؛ این خلاف اصول اقتصادی است.

بنابراین، غربی‌ها نظام سرمایه‌داری را در اقتصاد حاکم می‌کنند که در اثر آن یک عده ثروتمند و در کنار آن عده‌ای له می‌شوند؛ ولی در تمدن اسلامی ارزش انسان‌ها به ثروت و قدرت نیست، بلکه عدالت مهم است. وضع قوانینی مانند خمس و زکات و غیره باعث می‌شود آهسته سطوح فقر جامعه کاهش پیدا بکند و همه همسان بشوند.

تمدن اسلامی با بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) برای تمام و کامل شدن مکارم اخلاق، بر روی ارزش‌های اخلاقی بنا شد؛ آن چنان که سیاست اسلامی بر اصول اخلاقی مانند: لزوم امانتداری، صداقت و عدالت؛ و اقتصاد اسلامی بر مبانی اخلاقی ویژه‌ای همچون لزوم امانتداری و عدالت، مطلوبیت احسان

و ایثار و منع استثمار، دزدی، خیانت و رشوه تاکید دارد.

بدیهی است دینی که نه گرفتار رهبانیت می‌گردد و نه گرفتار دنیا پرستی و غفلت از آخرت؛ و هم برای دنیای بشر برنامه دارد و هم برای آخرت او؛ و هم نیازهای مادی و دنیوی بشر را مد نظر قرار می‌دهد و هم نیازهای اخروی و معنوی او را و در یک کلام، میان معنویت و مادیت و میان اخلاق و سیاست و اقتصاد پیوند برقرار می‌کند و ظرفیت بی‌ظنیری جهت ساختن تمدنی تمام‌عیار برخوردار است؛ به‌ویژه آن‌که چنین مکتبی توانایی فراوانی جهت ایجاد نظام انگیزشی واحد در جوامع انسانی دارد.

۴- شاخصه‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی ویژگی‌هایی دارد که آن را برای همه مردم دنیا جذاب می‌کند، از جمله می‌توان اشاره کرد به:

۴-۱- اجتماع‌گرایی و تأکید بر وحدت

جامعه متفرق و نابسامان قابلیت برپایی تمدن را ندارد. در اسلام بر روی مسأله وحدت اهمیت اسلامی حول کلمه توحید تأکید فراوانی شده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام] چنگ زنید، و پراکنده [و گروه‌گروه] نشوید. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از هجرت به مدینه صلح و آشتی میان دو طایفه «اوس» و «خزرج» که اختلاف و جنگ و خون‌ریزی دیرینه‌ای میان آن‌ها جریان داشت، ایجاد کرد و با اتحاد آن‌ها سپاه توانائی در مقابل دشمنان به وجود آمد؛ اما با توجه به این که هنوز آموزه‌های اسلام در دل‌هایشان نفوذ نکرده بود، یک امر کوچک می‌توانست آنان را به همان نزاع‌ها برگرداند. از طرف دیگر، مهاجرانی که با پیامبر به مدینه آمده بودند با طیف‌های گوناگون ترکیب جمعیتی مدینه را ناهمگون ساخته، بار زندگی آنان بر دوش اهل مدینه سنگینی می‌کرد.

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در نهایت کاردانی، مسلمانان را باهم برادر کرد و با این کار سنت‌های جاهلی در هم کوبیده شد؛ گاه یک اوسی با یک خزرجی، یک مهاجر با یک انصار، یک بزرگ قریشی با یک برده حبشی برادر شدند.

سکوت حضرت علی (علیه السلام) در مقابل سقیفه بنی ساعده همچنین می‌تواند دلیلی بر هم نزدن وحدت جامعه نوپای اسلامی باشد. ایشان در ضمن خطبه‌ای پس از ماجرای سقیفه با اشاره کوتاهی به

شجاعت‌ها و دلاوری‌ها و ایثارگری‌های خود در جنگ‌ها و در مواردی چون لیله المبعیت^۱ و غیر آن، به خرده‌گیران یادآوری می‌کند که من از مرگ وحشت ندارم و امتحان خود را در طول زندگی‌ام به خوبی پس داده‌ام. بنابراین، سکوت من هرگز دلیل بر ناتوانی یا ترس نیست، بلکه سکوت محض اسراری است که در سینه دارم که اگر بگویم همه شما مردم همچون لرزه‌ریسمان‌های بسته به دلو در اعماق چاه به لرزه خواهید آمد. (انصاریان، ۱۳۹۶: ۸۹)

برای این اسرار احتمالاتی در شرح‌های نهج البلاغه بیان شده است؛ گاه آن را به باخبر بودن آن حضرت از پیامدهای امور و مصالح و تباهی‌های جامعه اسلامی که موجب سکوت می‌گشت تفسیر کرده‌اند و گاه اشاره به سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سکوت و ترک درگیری دانسته‌اند. ولی بهتر است که گفته شود این جمله اشاره به دگرگونی‌هایی است که در حال صحابه و مدعیان اسلام و ایمان بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اتفاق می‌افتاد و اشخاصی که مردم آن‌ها را پیش‌تاز حق می‌شناختند، پیش‌تاز گمراهی و باطل می‌شدند و کسانی که کنار پیامبر و در سپاه او یا دشمنان جهاد می‌کردند، زیر بیرق منافقان قرار می‌گرفتند و چنان دین به دنیا می‌فروختند که افراد آگاه در تعجب و حیرت فرو می‌رفتند.

چه کسی می‌پذیرفت «طلحه و زبیر» که جزو نخستین اصحاب پیامبر بودند بانی جنگ جمل شوند؟ چه کسی باور می‌کرد «عایشه» ام‌المؤمنین ابزار دست تفرقه افکنان گردد و بیش از ده هزار نفر کشته شوند؟ و پرسش‌های مهم دیگری نظیر این‌ها.

چگونه امام می‌توانست بر این افراد تکیه کند و به اعتماد آن‌ها قیام نماید، در حالی که به این اسرار آگاه بود. حضرت به خوبی می‌دید که در مسیر خود تنهاست و جز یارانی اندک کسی را ندارد.

حکومت و زمامداری مردم برای امام یک هدف نبود، بلکه آن را وسیله‌ای برای احقاق حق و اجرای عدالت و یا دفع باطل می‌دانست. هنگامی که می‌بیند این قیام به این هدف منتهی نمی‌شود، بلکه ایجاد اختلاف میان صفوف مسلمانان می‌کند و ممکن است منافقان که در انتظار بودند از او ضاع آشفته بهره برداری کنند، برخیزند و اسلام نوپا را به خطر بیندازند، راه‌حلی جز سکوت نمی‌بیند.

۱. شبی است در اول ربیع‌الاول سال چهاردهم بعثت که علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خوابید تا آن حضرت از نقشه کشته شدنش که مشرکان مکه ریخته بودند، نجات یابد و از مکه به مدینه هجرت بنماید.

نقل شده است که روزی فاطمه (سلام الله علیها) امام را به قیام ترغیب کرد و در همان حال صدای موذن برخاست (أشهد أن محمداً رسول الله) امام رو به همسر گرامی‌اش فاطمه (سلام الله علیها) کرد، فرمود: «ایسرک زوال هذا النداء من الارض»؛ آیا دوست داری این صدا از روی زمین برچیده شود؟ عرض کرد: نه. فرمود: پس مطلب همان است که من می گویم (با اید سکوت و تحمل کرد). (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱۳، ۱۱۳)

۴-۲- زمان شمولی و جهان شمولی

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین می‌تواند سعادت فردی و جمعی انسان‌ها را در همه زمان‌ها و مکان‌ها برآورده کند. از این رو خدای والا در ضمن آیاتی همه انسان‌ها را با نام‌های «للعالمین»^۱، «بنی آدم»^۲، «ایها الناس»^۳ خطاب کرده و با رحمت خود همه را در بر گرفته است. در سوره توبه نیز هدف از فرستاده شدن آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروزی دین اسلام و تمدن اسلامی بر دیگر ادیان و تمدن‌ها بیان شده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)

اعراب و برپایی نظام سیاسی واحد در شبه جزیره عربستان، به سران کشورهایمانند ایران، روم، مصر، حبشه، شامات، و نیز رؤسای قبایل گوناگون نامه نوشت و آنان را به اسلام فراخواند. بدیهی است اگر دین اسلام جهان‌شمول نبود، چنین دعوت عمومی انجام نمی‌گرفت و امت‌های دیگر نیز عذری برای نپذیرفتن آن داشتند.

جرج برنارد شاو در مقدمه کتاب (Mohammad The Apostle of Allah) می‌نویسد: «من همیشه نسبت به دین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به واسطه خاصیت زنده بودن شگفت‌آورش نهایت احترام را داشته‌ام پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از متحد ساختن گروه‌های متفرق و قبیله‌ای. به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد. من چنین پیش‌بینی می‌کنم و از هم‌اکنون هم آثار آن پدیدار شده است که این همان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هورد قیول ارو پای فردا خواهد

۱. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (مائده: ۳)

۲. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰)

۳. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)

۴. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۲۱)

بود.» (خسروشاهی، ۱۳۵۱: ۱۳)

بسیاری از قلمرو مسلمانان در حاکمیت بنی عباس و یا مرکزیت بغداد قرار داشت. به تدریج در قرون بعدی تا پایان قرون وسطی، اندلس (اسپانیا و پرتغال کنونی) تحت حاکمیت مسیحیان درآمد و مسلمانان از شبه جزیره ایبری اخراج شدند؛ اما همزمان قلمرو امپراتوری بیزانس تحت حاکمیت اسلامی قرار گرفت. از جانب شرق هم قلمرو اسلامی به دلیل فتوحات، روابط تجاری، سیاحت و مهاجرت علما و عارفان مسلمان در حال گسترش بود. به نحوی که تمامی ساکنین شبه قاره هند، بخشی از آسیای جنوب شرقی، جزایر فیلیپین و ترکستان چین هم مسلمان شدند و اقلیت هایی از مسلمانان در دیگر نواحی آسیای شرقی و شبه جزیره هند و چین پدید آمدند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۹)

دنیای اسلام دارای محدوده‌ای از سواحل غربی آفریقا در اقیانوس اطلس تا منتهی الیه شرقی اندونزی به طول متجاوز از یازده هزار کیلومتر است و از حوالی خط استوا در آفریقا تا حواشی سیبری در روسیه را که مسیری به طول ۵۰۰۰ کیلومتر است در بر می‌گیرد. جهان اسلام به دو بخش مرکزی و پیراهونی تقسیم می‌گردد و در مجموع مساحت آن به حدود ۲۳ میلیون کیلومتر مربع بالغ می‌گردد و یک سوم مساحت دنیا را شامل می‌شود. (شفیعی، ۱۳۸۵: ۳۴)

۳-۴. عدالت طلبی

عدالت در اسلام بنیان اصلی تحقق یک جامعه آرمانی دانسته شده و خدای والا در آیات بسیاری بر عدالت در همه زمینه‌ها و در برابر همه انسان‌ها جدای از جایگاه اجتماعی، ثروت، دین، مذهب و قومیت تأکید کرده است. امام صادق (علیه السلام) درباره عدل می‌فرماید: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَالْأَيْنُ مِنَ الزَّبْدِ وَ أَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمَسْكِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۱۴۷)؛ عدل از عسل شیرین‌تر، از کره نرم‌تر و از مشک خوشبوتر است.

با حکم فرما شدن عدل هر کسی به حق خویش می‌رسد؛ زورگویی و ستم از جامعه رخت بر می‌بندد و ایمنی و آرامش بر همه جا غالب می‌شود. از این رو انسان‌ها ظلم را نکوهش کرده و عدالت را تمجید می‌کنند. عدالت در رابطه فرد با خود، خدا، دیگران و در روابط بین مردم و حکومت مطرح می‌شود و از طرفی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دارد:

- عدالت اقتصادی؛ در اسلام دادن بخشی از مال در راه خدا و کمک به دیگران با وضع زکات، خمس، کفارات، صدقات و انفاق در راه خدا با توجه به اصل عدالت برپا شده تا از جمع شدن مال در یک طرف

و افزایش نیازمندان در طرفی دیگر جلوگیری شود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «انَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳، ۵۶۸)؛ همانا اگر میان مردم عدالت رعایت شود، همگی بی‌نیاز خواهند شد.

- عدالت در خانواده محوری؛ زن و مرد در نظام آفرینش جایگاهی خاص دارند و مقصود هر دو رسیدن به کمال است؛ بدون این که بر یکدیگر برتری داشته باشند. در بعضی از احکام اسلام مغایرت‌هایی که میان مرد و زن مشاهده می‌شود، شک و شبهه فرق‌گذاری و ناهمسانی را در فکر شماری از افراد موجب شده است. این مغایرت در حقوق به علت گوناگونی در خلقت، مسئولیت‌ها و وظایف آن‌هاست؛ بدون این که فرق‌گذاری در کار باشد.

- عدالت اجتماعی؛ عدالت در اسلام ارزشمند است، چون بنابر آموزه‌های اسلامی خدا عادل است و همه افعال الهی عین دادگری و عدالت‌اند و ستم و افراط و تفریط در آن‌ها راه ندارد. خدای والا برای بعثت پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی از دو هدف یاد می‌کند: هدایت انسان‌ها از تاریکی‌های شرک و کفر به سوی نور توحید و بندگی خدا و هدف دوم برقرار ساختن عدالت میان انسان‌ها و تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان.^۲

- عدالت سیاسی؛ پس از آگاه شدن حضرت علی (علیه السلام) از حضور عثمان بن حنیف در محفل مرفهین بصره، حضرت با فرستادن نامه‌ای عیب‌هایی بر او گرفته، و او را سرزنش کرد. از ایراد‌های مهم آن مجلس پرزرق و برق استفاده از انواع غذاهای متنوع مشتببه به حرام بود که ثروتمندان از آن بهره‌مند و مستمندان محروم هستند. (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۴۱۶)

نکته‌ای که باید به آن اهتمام داشت، مراقبت امام علی (علیه السلام) در رفتار مسئولین است، تا جایی که حتی برای حضور در یک مهمانی نامناسب به آنان اخطار داده و نکوهش‌شان می‌کند.

۴-۴. مهدویت و رهبری کامل بر جهان

رابطه حکومت و حاکمیت نسبت به جامعه را می‌توان به مثابه قوه عاقله انسان نسبت به سایر اعضا و جوارح دانست. همانگونه که اگر اعضا و جوارح انسان در تحت حاکمیت قوه عاقله معصومانه انجام وظیفه نمایند، انسان به کمال فردی می‌رسد و بالعکس آن سبب انحطاط فرد خواهد شد. جامعه نیز در

۱. الرِّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (ابراهیم: ۱)

۲. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ... (حدید: ۲۵)

تحت حاکمیت و حکومت الهی می‌تواند مسیر کمال را طی نماید و بالعکس در تحت حاکمیت ظالمانه در مسیر انحطاط قرار خواهد گرفت. (صدری فر و مولوی، ۱۴۰۰: ۵۶)

برآورده شدن وعده الهی غلبه حق بر باطل در گستره جهانی و برپایی تمدن نوین اسلامی نزدیک است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ رِيبَةٍ مِمَّا قَدْ وَدَّعَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاعِلُونَ» (نور: ۵۵)

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله، پیروزی از قلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر بر آوردن این پدیده معجزآسا، در ست در اوج هیاهوی هادگیری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی، و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته می‌شد، در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دل‌ها پدید آورد. هر چه زمان گذشته، این استحکام - به حول و قوه الهی - بیشتر و آن امید ریشه‌دارتر شده است.» (پیام مقام معظم رهبری به کنگره حج، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷)

با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (هلالی، ۱۴۰۵: ۲، ۵۶۷؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۸۹؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: المقدمة، ۵) خدا کل زمین را پس از آن‌که از ظلم و جور پر شده است پر از عدل و داد می‌سازد.

مقصود از این مطلب خودخواهی و تکبر جامعه اسلامی بر دیگر جوامع و تمدن‌ها نیست، بلکه از باب شایسته سالاری حضرت حکومت جهان را به دست خواهد گرفت؛ مردم جهان منتظر اجرای عدالت به دست او هستند و به ایشان رأی خواهند داد.

مهدی موعود بنا بر اعتقاد شیعه هم اکنون در قید حیات و امام عصر است و طبق فرمایش آن حضرت: «أَمَّا وَجْهُ الْإِنْفِاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْفِاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَابَتْ عَنْ الْأَبْصَارِ السَّحَابِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲، ۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: النص، ۲۹۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: النص، ۴۵۳) چگونگی بهره‌مندی از من در عصر غیبت هم‌چون بهره‌مندی از خورشید است آن‌گاه که ابرها آن را از چشم‌ها پنهان می‌کند. مذهب تشیع به خاطر این که در زمان غیبت امام امکان حضور ایشان در پیش‌برد تمدن اسلامی وجود

ندارد، مراجع تقلید را بنابر توقیع ارجاع به فقها در عصر غیبت^۱، نواب عام ایشان می‌دانند. در این میان اعتقاد به ولایت فقیه نقش فراوانی در حرکت اجتماعی امت اسلامی دارد. ایجاد یک نظام سیاسی با محوریت ولی فقیه، شرط اساسی برای پیش‌برد تمدن اسلامی در عصر غیبت محسوب می‌گردد.

وظایف مؤمنان در ساخت تمدن اسلامی

۱. انتظار فرج و زمینه سازی

برپایی تمدن اسلامی در سایه انتظار فرج و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) میسر می‌شود. انتظار رفتاری پویا و کارساز است که انسان را به طرف برپاداشتن عدالت و زمینه‌سازی برای ساخت تمدن اسلامی پیش می‌برد. برای نیل به کمال انسانی در تمدن هدرا سلامی، انتظار کارآیی شناختی برای تصحیح معرفت دینی و کارآیی انگیزشی در امیدبخشی و نیروبخشی برای اقدام و رهایی از پوچی و نقشی کنشی برای سامان دادن به آینده بشر و پایداری و کارزار در برابر تعدی و گردن‌کشی دارد.

۲. همکاری همه جانبه برای ایجاد تمدن اسلامی

انسان‌های مؤمن که هم‌فکر و هم‌عقیده هستند، بایسته است بیش از پیش در موضع پیوستگی، وفاق و هم‌افزایی برآمده با یکدیگر برای ایجاد تمدن اسلامی ارتباط و تعامل داشته باشند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِبَائِكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّئِبِ» (شریف الرضی، ۴۱۴ق: ۱۸۴)؛ همواره دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید، که انسان تنها بهره شیطان است، آن گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ خواهد بود. تنها هنگامی که چنین مجتمع مؤمن، راسخ، باورمند و دارای بصیرت شکل بگیرد می‌توان برای ساخت تمدن اسلامی مبادرت به اقدام جدی کرد.

۳. جهاد تبیین

ثمره جهاد تبیین عذرزدایی است تا این که فردی نگوید اطلاق ندا شتم. خدای والا می‌فرماید: «رُ سُلاً مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا.» (نساء: ۱۶۵) پیامبرانی که مژده‌رسان و بیم‌دهنده بودند تا برای مردم [چه در دنیا و چه آخرت] در پیشگاه خداوند پس

۱. أَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَانَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲، ۴۸۴؛ مرزبانی، ۱۳۷۸؛ مقدمه، ۲۶؛ طوسی،

از فرستادن پیامبران، حجت و عذری [برای کافر بودنشان] نباشد؛ خداوند همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

همیشه عذرتراشی و درنگ بازدارنده است. امکان دارد بعضی بگویند ما اطلاع نداشتیم؛ بنابراین، ما باید جهاد تبیین و روشنگری را در مورد حقانیت تمدن نوین اسلامی انجام دهیم تا این عنصر گنند کننده، بازدارنده و برگرداننده از راه، دامن‌گیر جامعه نشود.

۴. استقامت و شهادت

در دین اسلام کشته شدن در راه خدا مرگ و شکست محسوب نمی‌شود، بلکه حیات جاویدان و فوز عظیم و فلاح است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)

این آموزه از صدر اسلام تا کنون سبب ایجاد روحیه عجیبی به نام شهادت طلبی در مؤمنان به دین اسلام گشته است که باعث می‌شود از مرگ نهراسند و در راه مبارزه با ظلم و طاغوت و دشمنان خدا و حمایت از مستضعفان و مظلومان و در راه اعتلای پرچم اسلام استقامت عجیبی از خود نشان دهند و در بسیاری از موارد موجب پیروزی نیز می‌گردند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این نوشتار بیان وظایف مؤمنان، به ویژه متدینین انقلاب اسلامی ایران به جهت پیشرو بودن در تحقق و گسترش تمدن نوین اسلامی بود. برای رسیدن به این هدف نخست سؤالی پیرامون امتیازهای مؤلفه‌های تمدن‌ساز دین اسلام در مقایسه با تمدن‌های دیگر مطرح شد، تا بدین وسیله تفاوت‌های میان دین اسلام و سایر تمدن‌ها مشخص شود. بر اساس آنچه طی این پژوهش حاصل شد: تمدن نوین اسلامی با تمدنی که غرب می‌گوید یکی نیست، چون مفهوم عقلانیت و علم و دانش در تمدن اسلامی با چیزی که آن‌ها می‌گویند تفاوت دارد.

در تمدن اسلامی عقلانیت انسان با بازدارندگی و خودنگهداری دنبال آن است که عمل را در راه رسیدن به اهداف، مطابق اخلاق ستوده و خصلت‌های خوب کند. پس این طور نیست که تبعیض نژادی و تبعیض بین افراد و... در آن راه داشته باشد؛ اما تمدن غرب با محوریت سودگرایی (فردی یا مصالح بشری) و جدا کردن عقل از اخلاق، اخلاقیات را در موضع نابودی قرار داده است.

همچنین علم در غرب مبتنی بر سودگرایی مادی فردی یا حداکثر برای مصلحت‌های بشری است؛ علمی

که اقتصاد را پیش برد و سیاست را به نفع آن‌ها منحرف نکند تا سیطره بر طبیعت و انسان‌ها پیدا کرده و تنها قدرتمند جهان بشوند. اما مواد اولیه تمدن‌سازی در اسلام علوم و معارف قرآنی است. علم در اسلام با دانش الهی به‌طور ویژه مرتبط بوده و ما را در نهایت به شناخت از خود و خدا و تصویری معنادار از جهان می‌رساند.

پرسش دوم این نوشتار، درباره این مسئله شکل گرفت که شاخصه‌های تمدن اسلامی بر پایه این مؤلفه‌ها چه مواردی می‌تواند باشد؟ در این مقاله با بازکاوش پیرامون شاخصه‌های تمدن اسلامی چهار مورد از مهم‌ترین این شاخصه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت که به ترتیب عبارت شد از:

(۱) اجتماع‌گرایی و وحدت بخشی: جامعه متفرق و نابسامان قابلیت برپایی تمدن را ندارد. در دین اسلام با توجه به آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) بر روی مسأله وحدت امت اسلامی حول کلمه توحید تأکید فراوانی شده است.

(۲) زمان‌شمولی و جهان‌شمولی: دین اسلام تنها ناظر به نیازها و مقتضیات انسان‌های عصر نزول قرآن و مخاطبان اولیه آن نیست، بلکه دینی جاوید است که مرزهای تاریخی را در می‌نوردد و تا ابد پاسخ‌گوی نیازهای بشریت است؛ چرا که اختصاص به زمان خاصی ندارد. همچنین پیام‌ها و آموزه‌های دین اسلام ویژه یک منطقه خاص جغرافیایی یا یک گروه خاص نیست، بلکه برای هدایت و سعادت تمامی انسان‌ها در هر مکان و منطقه‌ای است.

(۳) عدالت طلبی: عدالت در اسلام بنیان اصلی تحقق یک جامعه آرمانی دانسته شده و خدای والا در آیات بسیاری بر عدالت در همه زمینه‌ها و در برابر همه انسان‌ها جدای از جایگاه اجتماعی، ثروت، دین، مذهب و قومیت تأکید کرده است.

(۴) مهدویت و رهبری کامل بر جهان: از باب شایسته سالاری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومت جهان را به دست خواهد گرفت؛ مردم جهان منتظر اجرای عدالت به دست او هستند و به ایشان رأی خواهند داد.

با توجه به این امتیازها و شاخصه‌ها می‌توان گفت مؤمنان برای برپایی تمدن نوین اسلامی وظایفی دارند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان اشاره کرد به:

(۱) انتظار فرج و زمینه‌سازی: انتظار رفتاری پویا و کارساز است که انسان را به طرف برپاداشتن عدالت و زمینه‌سازی برای ساخت تمدن اسلامی پیش می‌برد.

۲) همکاری همه جانبه برای ساخت تمدن اسلامی: حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ.» (شریف الرضی، ۴۱۴ق: ۱۸۴)

۳) جهاد تبیین: ما باید جهاد تبیین و روشنگری را در مورد حقانیت تمدن نوین اسلامی از حجام د هیم تا عذرتراشی و درنگ بازدارنده و برگرداننده از راه، دامن گیر جامعه نشود.

۴) استقامت و شهادت در راه خدا: شهادت طلبی باعث می‌شود مؤمنان از مرگ نهراسند و در راه مبارزه با ظلم و طاغوت و دشمنان خدا و حمایت از مستضعفان و مظلومان و در راه اعتلای پرچم اسلام استقامت عجیبی از خود نشان دهند و در بسیاری از موارد موجب پیروزی نیز می‌گردند.

پس در نتیجه با توجه به امتیازها و شاخصه‌های تمدن اسلامی و تأکیده‌های رهبری در جهاد تبیین ما باید این مطالب را برای افراد در جامعه خود و جوامع دیگر روشن و واضح کرده، به وظایف خود در ساخت تمدن اسلامی عمل کنیم.

نمایه منابع

- قرآن مجید، ترجمه انصاریان با اندکی ویرایش، <https://www.erfan.ir/quran>.
۱. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، چاپ یکم.
 ۲. ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه للنعمانی، تهران: نشر صدوق، چاپ یکم.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
 ۴. _____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامی، چاپ: دوم.
 ۵. _____ (۱۳۷۶ش)، الأمالی (للصدوق)، تهران: کتابچی، چاپ: ششم.
 ۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴/۱۳۶۳ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
 ۷. ابن أبی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ یکم.
 ۸. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، سعد السعود للنفوس منضود، قم: دارالذخائر، چاپ یکم.
 ۹. _____ (۱۳۷۵ش)، کشف المحجبه لثمره المهجه، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
 ۱۰. انوری، حسن و همکاران (۱۳۹۰ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، چاپ یکم.
 ۱۱. انصاریان، حسین (۱۳۹۶ش)، نهج البلاغه، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ یکم.
 ۱۲. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایه الأثر، قم: بیدار، چاپ یکم، ۱۴۰۱ ق.
 ۱۳. خسروشاهی، سید هادی (۱۳۵۱ش)، اسلام دین آینده جهان، قم: نسل جوان، چاپ یکم.
 ۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه، چاپ یکم.
 ۱۵. روح الامینی، محمود (۱۳۷۹ش)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطار، چاپ دوم.
 ۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ یکم.
 ۱۷. شفیع، مازیار (۱۳۸۵ش)، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، تهران: نشر هادی الشرق، چاپ یکم.
 ۱۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب، چاپ یکم.
 ۱۹. صدر الدین شیرازی، محمد (۱۳۸۳ش)، شرح أصول الکافی (صدرا)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ یکم.
 ۲۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه (لطوسی)، قم: دارالمعارف الإسلامیه، چاپ یکم.
 ۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة)، تهران: اسلامی، چاپ سوم.
 ۲۲. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالآفاق الجدیدة، چاپ یکم.
 ۲۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م)، نهج الحق و کشف الصدق، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، چاپ یکم.
 ۲۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
 ۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ یکم.
 ۲۶. _____ (۱۳۷۱ش)، نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ یکم.
 ۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

۲۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ یکم.
۲۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، چاپ یکم.
۳۰. منسوب به امام ششم علیه السلام، جعفر بن محمد (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی، چاپ یکم.
۳۱. مرزبانی، محمد بن عمران (۱۳۷۸ش)، مناجات الهیات حضرت امیر علیه السلام و منازل من القرآن فی علمی علیه السلام، تهران: وزارت ارشاد، چاپ یکم.
۳۲. مهیمنی، محمد علی (۱۳۷۹ش)، گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، تهران: نشر ثالث، چاپ یکم.
۳۳. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، چاپ یکم.
۳۴. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی، چاپ یکم.
۳۵. رهبران، همایون و همکاران (۱۴۰۰)، «نقش دین در تمدن سازی»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه، دوره ۹، شماره ۳۵، ص ۱۵۱.
۳۶. صدری فر، نبی اله و مولوی، محمد (۱۴۰۰)، «مقدمات و الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی، سال نهم، شماره دوم، ص ۵۳.
۳۷. اکبری، مرتضی و رضائی، فریدون (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی، سال سوم، شماره پنجم، ص ۸۵.
۳۸. خواجه سروی، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۴، ص ۱.
۳۹. زمانی، مصطفی، (۱۳۹۰)، «مبانی حاکم بر مهندسی تمدن نوین اسلامی - ایرانی»، مطالعات روابط فرهنگی بین الملل، سال اول، شماره ۳، ص ۵۴.
۴۰. هاشمی، سید حسین (آذر ۱۳۸۴)، «موقعیت جغرافیایی جهان اسلام»، رواق اندیشه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، شماره ۴۸.
۴۱. بیانات مقام معظم رهبری در سالروز عید مبعث، <https://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۷/۰۴/۲۹.
۴۲. پیام مقام معظم رهبری به کنگره حج، <https://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷.